

## مبارزه دانشجویی و چشم انداز آن

جنبش دانشجویی که بعد از سرکوب خونین ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به رکود گراییده بود، بار دیگر به فروش آمد، این بار با شعارها و مطالباتی رادیکال در سطح کشور. از زابل تا ارومیه و از خوزستان تا خراسان، با کمیته چشمگیر و طرح شعارهایی که تبلور خشم و آمال میلیون ها انسانی است که با سیه روزی، فقر و تنگدستی روزگار فلاکت بار خویش را در جهنم جمهوری اسلامی سپری می کنند.

گر چه نمی توان پیوند جنبش دانشجویی اخیر را با کل گذشته آن نادیده گرفت، اما حرکت اخیر ویژه گی هایی نسبت به گذشته اش نیز دارد. گذشته حرکت دانشجویی عمدتا تحریکی و بی افق و مورد سوء استفاده باندهای درون رژیم بود. بدین مضمون که باندهای مافیای اسلامی، چه در درون حاکمیت و چه بیرون از آن، از حرکت دانشجویی به مثابه ابزاری برای پیشبرد مقاصد پلید و گرفتن امتیاز از جناح مخالف بهره برداری کرده و از این رو حرکت دانشجویی را به زاییده و دنبال اهداف مورد نظر خود می کشاندند. هنگامی که در مقطع ۱۸ تیر، جنبش دانشجویی از اراده باندهای مختلف رژیم جمهوری اسلامی خارج شد و می رفت که با مبارزات و مطالبات کارگران و مردم محروم و ستم دیده بیامیزد و به سیل خروشان بنیان کن و سرنوشت ساز تبدیل شود، آن گاه هر دو جناح رژیم، به تکاپو افتادند و با بسیج اوباشان، چاقویشان و نیروهای سرکوبگر، به وحشیانه ترین شکل جنبش دانشجویی را به خاک و خون کشاندند و آن را برای مدتی دچار وقفه کردند.

آنچه که حرکت اخیر دانشجویی را از مبارزه گذشته آن متمایز می سازد، تلاشی است که جنبش دانشجویی برای جداسازی صفوف خود از جناح های درون و بیرون حاکمیت و تاریک اندیشان به کار می برد. باید خاطر نشان کرد که این صف مبارزه کاملا مستقل، مجزا و صد در صد نیست بلکه، روند مبارزه و یکپارچگی آن با خواسته ها و مطالبات انقلابی کارگران و مردم ستم دیده است که سمت و سو و استقلال کامل آن را تعیین می کند و به آن افق روشنی می بخشد؛ در غیر این صورت مبارزات و جانفشانی طیف دانشجو در هم نوایی با اهداف عقب مانده و ارتجاعی جناح موسوم به «اصلاح طلبان» قرار می گیرد. در چنین روندی ضمانت سیاسی بیش تری برای تسلط جریانات «اصلاح طلب» را در پی خواهد داشت و در نهایت برنده میدان مبارزه طیف های مختلف «دوم خرداد» و طرفداران رنگارنگ آن ها در داخل و خارج کشور خواهند بود.

یک تفاوت دیگر جنبش دانشجویی اخیر با گذشته در این است که این جنبش سعی دارد از تبعیت و پیروی کورکورانه از طیف «اصلاح طلبان»، به پرهیزد و با دیدی انتقادی اما، در بعضی مواقع

سطحی به مواضع آن‌ها برخورد می‌کند. این شیوه برخورد دانشجویان به «اصلاح طلبان»، ناشی از سطح رشد عمومی مبارزه طبقاتی است که در درون جامعه در جریان است و خود را در مبانی حرکت دانشجویی نیز نشان می‌دهد.

مادامی که مبارزه مستقل دانشجویی با مبارزه کارگران و مردم تهیدست پیوند نخورد و در روند مبارزه گام‌های معین و عملی برداشته نشود و این مبارزه در تداوم خود منجر به نابودی و امحاء نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و در هم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی نگردد، مسیر مبارزه همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند و نیروهای شرکت کننده در بهترین حالت بعد از چند زیگزاگ زدن، ماحصل مبارزات خود را دو دستی تقدیم جناح دیگری از بورژوازی خواهد کرد. از این رو وظیفه نیروهای کمونیست و پیشقراولان طبقه کارگر و دانشجویان است که مبارزات دانشجویی را پالایش دهند و آن را با مبارزات طبقه کارگر پیوند دهند تا به سرانجامی غیر از آنچه که بورژوازی می‌خواهد برسد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

زنده باد سوسیالیسم

برقرار باد حکومت کارگری

شورای هماهنگی نیروهای کمونیست و چپ انقلابی - استکھلم

۲۷ نوامبر ۲۰۰۲